

چرا قمار سیاسی ابوظبی برای اقتصاد دومی گران تمام می‌شود؟

خانه کاغذی

وقتی که خبر توافق امارات و رژیم اشغالگر قدس برای کاهش سطوح تنش و به رسمیت شناختن این رژیم توسط ابوظبی منتشر شد واکنش‌های کوچک و بزرگی در موضوعات مختلف نسبت به آن صورت گرفت، واکنش‌هایی که غالباً مربوط به فراموشی حقوق فلسطینیان و عرق مذهبی و حتی نژادی به ماجرای فلسطین و قدس به‌عنوان اولین قبله مسلمانان بود. در این میان، اما علاوه‌بر ماجرای فلسطین مساله مهم دیگری هم هست که در جریان این اتفاق باید بسیار به چشم آید و حتما باید مورد بررسی قرار گیرد.

این مساله مربوط به ذات رژیم‌صهیونیستی و خصلت‌های این رژیم است که با اقدام اماراتی‌ها می‌تواند گسترده شده و توسعه یابد. از این‌رو باید در اولین گام ببینیم و بررسی کنیم که ابوظبی چه ماهیتی را با کدام ویژگی‌ها به رسمیت شناخته و تأثیرات آن برای منطقه و به‌ویژه ایران چیست؟ خلاصه پاسخ به این سوال که این است که اماراتی‌ها با اقدام اخیر خود، نه یک نام که یک ماهیت متجاوز که هیچ پایبندی قابل تعریفی به قواعد و قوانین بین‌المللی و همچنین عرف و اخلاق انسانی در سطح جهان ندارد و از هیچ تجاوز و ظمی برای رسیدن به اهداف‌شان امتناع نمی‌کند را به رسمیت شناخته‌اند و این صرف‌نظر از نسبت کارگزاران رژیم اشغالگر قدس با ادیان، مذهب یا حاکمیت‌های سیاسی در منطقه است. با توجه به همین مساله هم باید گفت که به رسمیت شناختن این رژیم، به این معناست که زمین باید انتظار توسعه‌تهدیدات این ماهیت تجاوزگر و سرکش را داشت.

البته همین نگاه کلان هم بود که باعث شد توافق امارات با رژیم‌صهیونیستی واکنش‌های سخت و سنگینی را از جانب کشورهای منطقه در پی داشته باشد، ازجمله واکنشی که فرمانده ستادکل نیروهای مسلح ایران نشان داد و خطوط قرمز ایران را به صورت واضح برای اماراتی‌ها و شریک جدیدشان مشخص کرد.

درخصوص تهدیداتی که توسعه‌حضور این رژیم در منطقه می‌تواند برای کشورهای مختلف به‌ویژه ایران داشته باشد، می‌توان مواردی را برشمرد که یکی از مهم‌ترین آنها نقش آفرینی اطلاعاتی-امنیتی با هدف تکمیل پازل فشار حداکثری علیه ایران است. به عبارتی این حضور در کنار تهدیدات امنیتی می‌تواند واجد پیامدها و نتایج احتمالی در عرصه اقتصادی نیز باشد، مساله‌ای که نمی‌توان به سادگی از کنارش عبور نکرد. در این یادداشت تلاش می‌کنیم با ذکر چند موضوع این مساله‌را مورد بررسی قرار دهیم.

جایگاه و مناسبات اقتصادی و امنیتی امارات در منطقه

شاید بهتر باشد که ماجرای امروز را از سال‌ها پیش و زمان تاسیس امارات آغاز کنیم. امارات متحده عربی اتحادی

گفت‌وگو

سعدالله زارعی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ژئوپلیتیک منطقه هیچ تغییری نخواهد کرد

هدف اصلی توافق ابوظبی با رژیم‌صهیونیستی بهره‌برداری انتخاباتی در نیویورک بود

سعی دارد با نشان دادن پی‌ریزی تصاویر توافق از آن به‌عنوان یک موفقیت یاد کند. «وی درخصوص نزدیکی امارات به ایران و حضور در منطقه خلیج فارس و موقعیت ژئوپلیتیک این کشور نیز گفت: «این مساله فعلا در حد کلیات مطرح شده و هیچ جزئیات بیشتری از آن منتشر نشده که بتوان براساس آن حرف قطعی زد، اما مهم این است که در منطقه ما یک صخره سخت به‌نام جمهوری اسلامی وجود دارد.»

«جمهوری اسلامی در منطقه از یک جبهه برخوردار است و تاکنون ده‌ها حادثه بزرگ را با موفقیت پشت‌سر گذاشته است؛ حال سوال این است که آیا توافق آمریکا و رژیم‌صهیونیستی با امارات می‌تواند حقیقت این صخره سخت را تحت‌تأثیر قرار دهد یا صهیونیست‌ها می‌توانند ضمانت به کسی بدهند؟ جواب این سوالات کاملاً روشن است.»

به گفته زارعی ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه با توافق امارات و رژیم‌صهیونیستی هیچ تغییری نخواهد کرد اگرچه این توافق یک خیانت بزرگ به اسلام محسوب می‌شود. این کارشناس مسائل غرب آسیا در پاسخ به این سوال که اگر صهیونیست‌ها نتوانند بر بندر دبی مسلط شوند و نفوذ خود را در آن منطقه بیشتر کنند، آیا ممکن است فضای اقتصادی ایران تحت‌تأثیر قرار بگیرد، اظهار داشت: «درحال حاضر بیش از ۳۰ سال است که رژیم‌صهیونیستی در این منطقه حضور دارد، لذا آنچه هفته گذشته اتفاق افتاد صرفاً رونمایی از یک رابطه ۲۰ ساله بود و بنابراین از این جهت اتفاقی برای ایران نخواهد افتاد.»

وی با تأکید بر اینکه همان‌طور که در پیام سرلشکر باقری نیز آمده بود از این پس ما به امارات جور دیگری نگاه خواهیم کرد، گفت: «توافق با رژیم‌صهیونیستی می‌تواند برای اماراتی‌ها نیز یک خطر تلقی شود.»

زارعی در تشریح این موضوع خاطرنشان کرد: «به‌محض اینکه ما رفت‌وآمد آزاد صهیونیست‌ها در منطقه را مشاهده کنیم، دست به کار خواهیم شد چراکه اینجا منطقه ماست و اجازه نمی‌دهیم این منطقه تبدیل به جولانگاه صهیونیست‌ها شود.» وی درخصوص نحوه مواجهه جمهوری اسلامی با امارات نیز تصریح کرد: «ما هنوز این قضیه را به‌صورت کامل بررسی نکرده‌ایم که درحال حاضر وارد اتاق عملیات شویم تا ببینیم دقیقاً چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم، اما مسلماً ایران روی رفت‌وآمد صهیونیست‌ها بسیار حساس خواهد بود.»

سیاست



مواجهه امنیتی ممکن است برای اماراتی‌ها پدید آید، باید گفت احتمالاً در این مسیر، اولین قدم اقتصادی خواهد بود و این اتحاد احتمالاً تلاش خواهد کرد حلقه فشار حداکثری آمریکا علیه ایران را کم نفوذ و مستحکم کند.

چنانکه پیش‌تر عنوان شد با وجود روابط بسیار پررحم بنادر و مقاصدی از ایران با دبی و بنادر آن که عملاً باعث شده حاکمان این شهر علاقه‌ای برای کاهش روابط با ایران یا ایجاد تنش در این میان نداشته باشند، توسعه نفوذ و حاکمیت ابوظبی بر کل امارات می‌تواند به‌عنوان تهدیدی برای ایران و تجارت در شرایط تحریم بدل شود. مخصوصاً اینکه باز شدن دست رژیم‌صهیونیستی در بنادر دبی این امکان را فراهم می‌کند تا تحریم‌ها سختگیرانه‌تر از قبل اجرا شوند و حتی طرح‌ریزی‌های جدیدی برای مقابله با اقتصاد ایران و ایجاد تابلطم در بازارهای ارزی صورت بگیرد مانند آن چیزی که تعطیلات نوروز ۹۷ و نوروز ۹۸ دو مرتبه به‌صورت جدی تست شد و حداقل‌هایی از دستیابی به این اهداف را برای کاخ سفید مهیا کرد. اکنون نیز بعید نیست که اتحاد اطلاعاتی-اقتصادی ابوظبی با مוסاد و سازمان سیا مشابه این پروژه‌ها را در سر داشته باشد و بخواهد برای محاصره اقتصادی ایران از مسیر مسدود کردن تجارت در دبی اقدام کند. نکته آخر اینکه شیخ‌نشین ابوظبی ممکن

است در ذهن خود این تصور را هم داشته باشد که می‌تواند از رژیم‌صهیونیستی برای مقابله مواجهه امنیتی با ایران نیز استفاده کند، مساله‌ای که البته به نظر می‌رسد بزرگ‌تر از رویاهای اماراتی‌ها با توجه به امکانات و ابزارهایشان باشد چراکه حتی رژیم‌صهیونیستی که تمام ظرفیت‌های خود را برای مواجهه با محور مقاومت متمرکز کرده و مدعی توانمندی‌های اطلاعاتی هم است تاکنون ضربات سنگینی از ایران دریافت کرده و بعید است که اساساً امکان چنین صف‌آرایی برای ابوظبی در این خصوص فراهم شود و لذا نهایت تلاش آنها ایجاد در‌سر برای تجارت ایران خواهد بود که البته در آن مورد هم باید منظر بود و دید نسبت مناسبات تجاری و امنیتی دبی اجازه چنین چالشی را خواهد داد یا خیر؟

رژیم‌صهیونیستی برای توسعه یکجانبه قدرت خود و تغییر معادلات در منطقه و حتی درون امارات که خب طبیعتاً چنین رفتاری مغایر منافع ملی دیگر کشورهای منطقه است و دیگری خیر.

در این خصوص می‌توان یکی دو مورد را بررسی کرد؛ اولین مساله به‌دگربری نظامی امارات در یمن برمی‌گردد، جایی که اماراتی‌ها تلاش می‌کردند پیشروی گسترده‌ای در خاک یمن داشته باشند و با زدوبندهای سیاسی بخشی از حاکمیت این کشور را از آن خود کنند ولی زمانی که مشاهده کردند موشک‌های انصارالله، دبی را تهدید می‌کند از بخشی از استراتژی خود کناره گرفتند، یا سال گذشته و در برهه‌ای که چالش میان ایران و آمریکا به‌ویژه در جریان ساقط کردن گلوپال هاوک بالا گرفته بود و تبعات امنیتی آن تمام خلیج فارس و دریای عمان را تهدید می‌کرد، اماراتی‌ها با توجه به تهدیدی که برای اقتصاد دبی احساس می‌کردند پیشقدم شدند و تلاش کردند معاهده امنیتی گذشته خود با تهران را تمدید کنند، مخصوصاً اینکه دبی بخش مهمی از اقتصاد خود را در گرو تجارت با ایران می‌داند و اکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین بندر صادرات کالا به ایران شناخته می‌شود.

نقش آفرینی رژیم‌صهیونیستی در امارات

مساله واضح و مشخص این است که شیخ‌نشین ابوظبی در مواجهه با ایران نظراتی آنچنان متفاوت از مسئولان رژیم اشغالگر قدس ندارد و اگر امکان‌هایی برای مواجهه با ایران داشت حتماً از آنها استفاده می‌کرد، چنانکه این ابوظبی بود که در جریان فشار حداکثری و مساله صادرات نفت صفر از ایران، به کمک کاخ سفید رفت و اعلام کرد بخشی از کمبود نفت ایران را در بازارهای جهانی جبران خواهد کرد. حالا اما توافقات رژیم‌صهیونیستی با این شیخ‌نشین جنوب خلیج فارس بعید نیست که علاوه‌بر کارکردهایی که در نگاه اول می‌تواند برای این رژیم اشغالگر داشته باشد، باعث شود تلاش دیگری برای مواجهه با ایران از مبدا امارات رقم بخورد. برخلاف آن چیزی که برخی گمان می‌کنند امکان

آل‌مسلمان با سهولت بیشتری پیگیری شود که البته نتایج آن به وضوح در وقایعی چون جنگ یمن قابل مشاهده است. اکنون هم مشخص است که همان طرح‌ریزی، این بار در امارات درحال اجراست و شیخ‌نشین هفت‌گانه امارات به سرعت درحال تبدیل شدن به حاکمیتی تک‌قطبی با محوریت ابوظبی و فردی چون محمد بن زاید آل‌نهیان است. از این‌رو به نظر می‌رسد که یکی از اهداف نزدیکی رژیم‌صهیونیستی با ابوظبی تقویت جایگاه بن زاید و تشکیل یک اتحاد سیاسی- امنیتی میان عنصری جاه‌طلب و ماهیتی متجاوز بوده باشد.

در این خصوص رجوع به برخی بندهای توافق اخیر هم گویای همین مساله است، برای مثال در بخشی از این توافق تعهد فروش تسلیحات نظامی پیشرفته به ابوظبی گنجانده شده و اخیراً هم خبری درخصوص قرارداد فروش چند فروند جنگنده اف-۳۵ به این شیخ‌نشین رسانه‌ای شد که گویای همین نکته است.

دبی و مساله امنیت اقتصادی

برخلاف ابوظبی که بیشتر اقتصادی نفتی دارد و متکی به آن فعالیت می‌کند، شیخ‌نشین دبی تلاش می‌کند با استفاده از امکان ترانزیتی خود توسعه یافته و قدرت بگیرد. بنیان‌های دبی امروز با ترانزیت و تجارت کالا و حتی مسافر عجین شده و حتی صنایع جانبی آن هم مبتنی بر همین مساله شکل گرفته است. برای مثال شیخ‌نشین دبی سرمایه‌گذاری بزرگی روی صنعت توریسم خود کرده و تلاش می‌کند از این مسیر هم بر درآمد‌های خود بیفزاید. از این‌رو باید گفت برخلاف ابوظبی که هرگونه ناامنی در منطقه الزاماً به‌معنای کاهش درآمد‌هایش نیست، در دبی ماجرا متفاوت است و کوچک‌ترین بحرانی در منطقه یا مشکل امنیتی در امارات می‌تواند به‌صورت محسوسی بر تجارت، ترانزیت و توریسم این شیخ‌نشین تأثیر گذاشته و عمیقاً اقتصاد آن را متلاطم کند از این‌رو اساساً استراتژی‌های این دو شیخ‌نشین می‌تواند در عمل متفاوت از یکدیگر باشد، یکی به‌دنبال توسعه روابط سیاسی و امنیتی با آمریکا و

مهدی طغیانی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

باید مبادی واردات دریایی را متنوع‌تر کنیم

پاکستان می‌تواند جایگزین امارات باشد

طغیانی در پاسخ به اینکه اگر حوزه نفوذ صهیونیست‌ها در بندر دبی افزایش یابد و واردات ایران از این ناحیه دچار مشکل شود، چه برنامه‌ای دارید، تصریح کرد: «ابعاد این توافق باید موردتوجه قرار گیرد که تا چه حد این اتفاق خواهد افتاد و چنانچه کار به اینجا کشیده شود، باید در این باره چاره‌اندیشی کرد.»

حذف دبی از مبادی واردات به‌معنای تکمیل حلقه محاصره ایران نیست
عضو هیات‌علمی دانشگاه اقتصاد درباره این نکته که برخی معتقدند حذف دبی از مبادی واردات به‌معنای تکمیل حلقه محاصره ایران است، تأکید کرد: «خیر، به‌هیچ‌عنوان این‌گونه نیست، چراکه روابط تجاری دو‌طرفه است، یعنی همان قدر که این روابط برای ما منفعت دارد برای طرف مقابل نیز دارای منفعت است.»

وی درعین حال یادآور شد: «قطع ارتباط تجاری ایران با امارات ضربه بزرگی به این کشور محسوب می‌شود و ازاین‌رو آنها نیز نمی‌خواهند به‌هیچ‌عنوان چنین اتفاقی بیفتد؛ یعنی همان قدر که این ارتباط برای ایران راهگشاست برای ابوظبی نیز دارای منفعت است.»

طغیانی همچنین تأکید کرد: «ابوظبی به‌هیچ‌وجه حاضر به از دست دادن منافع اقتصادی خود در قبال ایران نیست.»

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس درباره‌روابط تجاری ایران با سایر همسایگان شمالی و شرقی نیز اظهار داشت: «تمامی همسایگان ایران قابل سرمایه‌گذاری و تعمیق روابط تجاری هستند.»

وی با بیان اینکه همسایه‌های شمالی و غربی همچون ترکیه و عراق و همسایگان شرقی ازجمله پاکستان می‌توانند روابط اقتصادی و تجاری خوبی با شورمان داشته باشند، اضافه کرد: «درحال حاضر پاکستان می‌تواند یکی از مبادی صادراتی و حتی وارداتی ما باشد، درحالی‌که ما کمترین ارتباط را با این کشور داریم.»

طغیانی افزود: «ما در بحث واردات می‌توانیم از بندر کراچی به‌عنوان حلقه وارداتی به داخل کشور استفاده کنیم و همان ارتباطی که در خلیج فارس داریم از طریق پاکستان نیز داشته باشیم؛ از سوی دیگر می‌توان درصورت قطع ارتباط تجاری با امارات بر ارتباط با همسایگان شرقی تمرکز کرد.»

باید مبادی وارداتی خود را متنوع کنیم

نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اگر قرار باشد ما ارتباط تجاری خود با امارات را به‌صورت حساب‌شده کاهش دهیم باید برخی مسائل را موردتوجه قرار دهیم، اظهار داشت: «کاهش این انحصار باید پیش از چنین اتفاقی صورت می‌گرفت و درواقع ما باید مبادی وارداتی خود را متنوع می‌کردیم.» وی تأکید کرد: «تصمیماتی که در این حوزه گرفته شده، سیاسی بوده است اما این تصمیمات سیاسی باید باشد و سپس پیرو آن تصمیمات اقتصادی را اتخاذ کرد.»